

The Rule of Economic Factors in tribes and nomadic settlement of Western Iran (1921-1941)

siavash Yari*

Shayan Karami**

Abstract

The purpose of this article is presentation a new analytics from Nomads Settlement policy in the Pahlavi period in western Iran. The main issue of the article is explanation of economic factors of settlement policy and also refers to its consequences. Data were collected from the archive of documents and library resources based on targeted sampling and analyzed by grounded theory method. Findings show changing macroeconomic policies of the state from axial distribution to axial production had important effects on the social identity of the tribes. This change was means lack of government support from peasant workforce focused in rural and nomadic areas. Along with the changing economic policies government demand declined sharply for buy services of paramilitary forces. Most important executive strategies of the government for nomadic identity change was to impose severe restrictions for nomination on the one hand and providing free farming facilities on the other hand. The most important consequences of tribal settlement program in western Iran as follow: The collapse of tribal system, transforming nomadic identity, organizational looting, the prevalence of wage labor and upgrading the social class of nomads.

Keywords: Kermanshah, Lorestan, Nomadic Settlement, Non-production Economic.

* Associated professor of history, university of Ilam, Ilam, Iran, s.yari@ilam.ac.ir

** PhD of history, Invited lecturer at the university of Ilam, Ilam, Iran (Corresponding Author), shayan_karami99@yahoo.com

Date received: 08/10/2020, Date of acceptance: 12/02/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقش عوامل اقتصادی در اسکان عشایر غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش)

سیاوش یاری*

شایان کرمی**

چکیده

تاکنون پدیده تاریخی اسکان عشایر بیشتر از جنبه سیاسی مورد توجه قرار گرفته و در چهارچوب مواضع سیاسی و نظامی حکومت رضاشاه بررسی شده است. تحقیق حاضر قصد دارد بر پایه عوامل اقتصادی - تحلیلی نوین از سیاست اسکان عشایر ارائه کند. مسئله اصلی مقاله تبیین عوامل اقتصادی برنامه اسکان عشایر و نیز اشاره‌ای به آثار و پیامدهای آن است. داده‌ها از مراکز اسناد و منابع کتابخانه‌ای بر پایه نمونه‌گیری هدفمند گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش گراند تئوری مورد استفاده قرار گرفت. مقاله به یک سوال اصلی پاسخ می‌دهد: آیا در پشت سیاست اسکان عشایر نیروی پیش‌رانی وجود داشت؟ فرض بنیادین تحقیق این است که -در این برهه- یک عامل اقتصادی عمده جامعه و دولت را برای تغییر تحت فشار گذاشته بود. یافته‌ها نشان می‌دهد، تغییر سیاست‌های کلان اقتصادی دولت از توزیع به تولید محوری، عمده‌ترین عامل اقتصادی سیاست اسکان عشایر بود. همپای تغییر سیاست‌های اقتصادی، تقاضای دولت برای خرید خدمات نیروهای شبه نظامی ایلی به شدت کاهش یافت. از طرفی، ایجاد محدودیت‌های شدید برای شیوه سنتی کوچ‌نشینی و از طرف دیگر، ارائه تسهیلات کشاورزی رایگان عمده‌ترین راهبردهای اجرایی دولت برای اجرای برنامه اسکان بود. فروپاشی نظام ایلی، تغییر هویت عشایری، چپاول سازمانی، رواج کار مزدی و ارتقاء طبقه اجتماعی عشایر از جمله عمده‌ترین پیامدهای برنامه اسکان عشایر در غرب ایران بود.

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، s.yari@ilam.ac.ir

** دکترای تاریخ، مدرس مدعو دانشگاه ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)، shayan_karami99@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰



کلیدواژه‌ها: کرمانشاه، لرستان، اسکان عشایر، اقتصاد غیر تولیدی

۱. مقدمه

ایل یکی از قدیمی‌ترین واحدهای اجتماعی سازمان یافته در ایران بوده است. کارکرد اصلی سازمان ایلی ارائه خدمات نظامی به دولت بود (بادامچی، ۱۳۹۵: ۲۶۲-۲۶۱). در دوره هخامنشیان، شکل مسلط نظام بهره برداری از زمین، «ایل‌کو» نام داشت. در واقع، ایل‌کو روش مرسوم خرید خدمات نظامی بود که در دوره‌های بعد به اقطاع، سیورغال و تیول تغییر شکل داد. اما ماهیت نظامی و تسلط ایلات و عشایر بر نظام زمینداری تا نهضت مشروطه حفظ شد. در مقایسه با جمعیت روستایی و شهری، عشایر دارای ویژگی‌های اجتماعی متمایزی بودند. سبک زندگی کوچ‌نشینی، مسکن متحرک، حمل سلاح، قشربندی درون‌گروهی، جنگاوری و ...، هویت اجتماعی عشایر را متمایز کرده بود. جامعه عشایری غرب ایران^۱ به سه دسته تقسیم می‌شد. دسته اول: کوچ‌نشینانی بودند که تمام سال را در چادر زندگی می‌کردند و شیوه اصلی معیشت آنها دام‌پروری بود. آنها به همراه گله‌های بزرگ دام، نیمی از سال را در بیلاق و نیم دیگر را در قشلاق سپری می‌کردند. دسته دوم: کشاورزان کوچ‌نشینانی بودند که در نواحی گرمسیری دارای املاک کشاورزی بودند و به روش «کشت و کوچ»^۲ به کشاورزی و دام‌پروری اشتغال داشتند. شیوه اصلی معیشت آنها کشاورزی بود، اما به واسطه شرایط آب و هوایی منطقه و سهولت دسترسی به مراتع، نیمی از سال را در بیلاق سپری می‌کردند. دسته سوم: عشایر ساکن در مناطق روستایی بودند و شیوه فعالیت اقتصادی آنها ترکیبی از کشاورزی یکجانشین و دام‌پروری محدود بود. آنها سه ماه از سال (بهار) را در چادر زندگی می‌کردند^۳ (ساکما، ۲۹۱/۹۱۶: ۱-۲). در دوره پهلوی اول، ایلات و عشایر دسته اول و دوم، مشمول قانون تخته‌قاپو شدند (ساکما، ۲۹۱/۹۱۶: ۱-۲). برنامه اسکان عشایر، معروف به «تخته‌قاپو»، از اواسط دوره قاجاریه شروع و در دوره پهلوی اول و دوم تداوم یافت. از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه، طرح اسکان عشایر لرستان، در دستور کار مقامات دولتی قرار گرفت. در سال ۱۳۱۲ق، در زمان حکم‌رانی حشمت‌الدوله، حاکم لرستان و خوزستان، بخش بزرگی از طوایف سلسله در صحرای الشتر تخته‌قاپو و در ۱۲۰ دهکده سکونت داده شدند. هم‌چنین در جلگه خاوه، حدود ۴۰ دهکده برای اسکان طوایف دلفان ساخته شد (ساکما، ۲۹۶/۵۰۳: ۲). پس از انقلاب مشروطه، سیاست‌های کلان دولت در راستای محدود ساختن قدرت ایلات و

عشایر به نفع جوامع روستایی و شهری ادامه یافت. اولین مجلس مشروطه با نظر کمیسیون اصلاحات اقتصادی تیول را ملغی ساخت (لمبتون، ۱۳۶۲: ۳۳۳-۳۳۱). انحلال تیول و افواج ایلی ضربه سختی بر پیکر نظام ایلی وارد ساخت و پیامد مستقیم آن برای جامعه ایلی، هرج و مرج، ناامنی، راهزنی و قتل و غارت بود. منحل شدن افواج ایلی و قطع مواجب و مستمری‌ها، سبب طغیان هسته سیاسی- نظامی ایل شد. از مشروطه تا برآمدن رضاخان، غرب ایران برهه‌ای سخت پر آشوب و ناامن را تجربه کرد. در این برهه، ایلات و عشایر یکه‌تاز میدان چپاول‌گری بودند. در دوره پهلوی اول، گزینه برخورد نظامی با ایلات و عشایر مطرح شد. انحلال افواج ایلی و نارضایتی سران عشایر علل و عواملی داشت که در ادامه مقاله به آنها اشاره می‌شود. در دوره پهلوی اول، برنامه اسکان عشایر به روش سرکوب عشایر به اجرا درآمد. در کنار برنامه اسکان عشایر، برنامه اصلاحات ارضی نیز، کماکان در جریان بود و در دوره پهلوی دوم اسکان عشایر ذیل برنامه جامع اصلاحات ارضی و ملی شدن مراتع، انجام شد. در واقع اصلاحات ارضی مرحله‌ای از رشد کشاورزی تجاری بود که سبب اضمحلال شیوه بهره برداری معیشتی از زمین شد. برنامه اسکان عشایر در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی تا به امروز، همچنان تداوم داشته است.

۱.۱ بیان مسئله

پس از انقلاب صنعتی رشد اقتصاد سرمایه‌داری جهانی اقتصادهای غیر سرمایه‌داری (غیرتولیدی) را تحت فشار گذاشت. بر اثر تحولات نظام اقتصاد جهانی (گسترش نظام سرمایه‌داری)، سیاست‌های اقتصادی ایران از اواسط دوره قاجاریه در جهت حمایت از صنایع تولیدی تغییر جهت داد. به عبارت دیگر، سیاست‌های اقتصادی دولت از «توزیع» منابع طبیعی (زمین و آب) به سمت حمایت از تولید، تغییر کرد. در این راستا، در دوره پهلوی، دولت مصمم شد برنامه اسکان عشایر را اجرا کند. مسئله اصلی مقاله حاضر، تبیین عوامل اقتصادی پشت برنامه اسکان عشایر در دوره رضاشاه پهلوی است.

۲.۱ سوال تحقیق

در ارتباط با مسئله، این سؤال اصلی مطرح است که مهم‌ترین عامل یا عوامل اقتصادی در اجرای برنامه اسکان عشایر چه بود؟

۳.۱ فرضیه

فرض بنیادین تحقیق بر این قرار دارد که پس از نهضت مشروطه، تحت تأثیر تحولات نظام اقتصاد جهانی، یعنی توسعه نظام سرمایه‌داری، جهت‌گیری سیاست‌های اقتصادی دولت از توزیع منابع طبیعی، به سمت تولید، تغییر جهت داد. این تغییر، عامل اقتصادی کلیدی در اجرای برنامه اسکان عشایر بود. دولت با عدم حمایت از نیروی کار غیرمولد متمرکز در نواحی عشایری و ارائه تسهیلات رایگان برای توسعه کشاورزی، ایلات و عشایر را برای تغییر تحت فشار گذاشت. برنامه اسکان با ایجاد روستاهای جدید برای عشایر و ادغام بخش عشایری در بخش روستایی در واقع هدف تقویت بخش کشاورزی و به تبع آن تقویت صنایع شهری را دنبال می‌کرد.^۴

۴.۱ نقد پیشینه تحقیق

در موضوع اسکان عشایر پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. در ادامه به تعدادی از تحقیقات پیشین اشاره می‌شود. کتاب احمد نقیب‌زاده با عنوان *دولت رضاشاه و نظام ایلی* یکی از تحقیقات ارزشمند درباره سیاست اسکان عشایر است. به نظر نقیب‌زاده هدف اصلی برنامه اسکان عشایر اضمحلال ایلات بود. نقیب‌زاده می‌گوید مسئله عمده سیاست اسکان عشایر ادغام جامعه عشایری در جامعه ملی به منظور ملت‌سازی بود. سیاست، حکومت و عشایر تألیف عزیز کیاوند از دیگر پژوهش‌های پیشین در موضوع اسکان عشایر است. کیاوند نیز هم‌چون بسیاری از پژوهشگران دیگر، معتقد است، هدف از اسکان جامعه عشایری مهار نیروی رزمی عشایر بود، نه عمران و توسعه. محمد عبدالهی در تحقیقات خویش اسکان عشایر را بیشتر از جنبه‌های سیاسی مورد توجه قرار داده است. عبدالهی در مقاله «اسکان عشایر و حیات اجتماعی آنان در ایران، مطالعه موردی: طایفه وری علی‌نظر» مدعی است که برخورد دولت با عشایر برمبنای امکان‌سنجی صحیح توسعه نبوده، بلکه بیشتر رنگ و بوی سیاسی داشته است. به نظر می‌رسد اطلاعات عبدالهی در مورد طایفه علی‌نظر ناقص بوده است. «وری» اسم طایفه نیست، بلکه اسم روستایی است که برای اسکان طایفه علی‌نظر در دوره پهلوی اول ایجاد شد. پس از انقلاب اسلامی طایفه علی‌نظر روستای وری را ترک و به مرکز شهر ملکشاهی مهاجرت کردند. در حال حاضر غالب طایفه علی‌نظر ساکن شهرستان ملکشاهی، چند خانوار ساکن روستای وری و تعداد اندکی نیز دام‌پرور کوچ‌نشین هستند. میرنسی عزیززاده در مقاله «رضاخان پهلوی و سیاست

خلع سلاح و اسکان عشایر شاهسون» با ذهنیتی ایدئولوژیک خلع سلاح و اسکان عشایر را به توطئه دولت انگلیس مرتبط می‌داند. غفار پوربختیار در مقاله «رضاشاه و طرح اسکان اجباری عشایر بختیاری»، سیاست اسکان را برنامه سیاسی رضاشاه برای تحت کنترل درآوردن عشایر فرض کرده است. اسناد ارائه شده در پژوهش ایشان، گویای تصمیم دولت پهلوی (اداره فلاح) برای اسکان ایلات بختیاری به منظور «آبادی خوزستان» است. پوربختیار می‌گوید، با هدف اسکان عشایر بختیاری، ۱۴۲ روستای جدید در منطقه چهارم حال ساخته شد. مهدی صلاح و محمدعلی نعمتی در مقاله «پیامدهای طرح اسکان عشایر بر حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لرستان»، ضمن تأکید بر جنبه‌های سیاسی و منفی، به برخی از اثرات مثبت این طرح از جمله: ایجاد مراکز آموزشی و قضایی نوین در لرستان اشاره کرده‌اند. کتاب سیاست عشایری دولت پهلوی اول تألیف نفیسه واعظ‌شهرستانی و مقاله‌ای از ایشان با عنوان «تحلیل مبانی نظری و رویه سیاست‌گذاری برای انتقال اجباری ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول بر پایه اسناد» حاوی داده‌ها و تحلیل‌های ارزشمندی در این مقوله است. از نظر واعظ‌شهرستانی، دولت‌سازی، ملت‌سازی و مدرن‌سازی سه هدف عمده‌ای بود که برنامه اسکان عشایر آنها را دنبال می‌کرد. در کتاب واعظ‌شهرستانی ذیل پیامدهای اقتصادی اسکان عشایر، اشاراتی به توسعه کشاورزی شده است. هم‌چنین در مقاله واعظ‌شهرستانی تغییر شیوه تولید از شبانکارگی به کشاورزی، به عنوان یکی از اهداف جانبی سیاست اسکان یا انتقال اجباری عشایر ذکر شده است. در کتاب مقاومت شکننده تألیف جان فوران نیز، برخی از پیامدهای منفی طرح اسکان عشایر بررسی شده است. در تحقیقات انجام شده درباره اسکان عشایر، اگرچه سرکوب و اضمحلال عشایر مورد توجه پژوهشگران بوده است، اما نقش عوامل اقتصادی در این برنامه مغفول مانده است.

۵.۱ نوآوری تحقیق

این تحقیق نسبت به تحقیقات پیشین چند نوآوری دارد. از جمله: ۱. مسئله پژوهش حاضر مسئله محوری هیچ‌یک از تحقیقات پیشین نبوده است. ۲. فرضیه و چهارچوب نظری جدید این پژوهش نه تنها قدرت تبیین مسئله خود را دارد، بلکه قادر است پاره‌ای از دیگر مسائل تاریخ معاصر ایران را نیز، پاسخ دهد.

۶.۱ چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این مقاله برخاسته از تفسیر و تحلیل داده‌های اسنادی مرتبط با همین پژوهش است و از جایی اقتباس نشده است. این چهارچوب نظری براساس تجزیه و تحلیل داده‌های بیش از ده هزار برگ سند و منابع دیگر، ساخته شده است. بر مبنای اندیشه کهن عدالت اجتماعی، دولت موظف به حمایت از رعیت بود؛ بنابراین این، سیاست توزیع منابع طبیعی (زمین و آب) به شکل ایلکو، اقطاع، سیورغال و تیول در راستای استقرار عدالت اجتماعی در جامعه عمل می‌کرد. دولت به عنوان مالک زمین و آب در طرف عرضه و جامعه روستایی و عشایری به عنوان مصرف کننده منابع طبیعی در طرف تقاضا قرار می‌گیرد. تا قبل از انقلاب مشروطه، زمین‌های کشاورزی و مراتع مناطق عشایری در ازای خدمات نظامی، به عنوان تیول، در بین خوانین عشایر و نخبگان محلی توزیع می‌شد. جمعیت ایلی مهم‌ترین عرضه کننده خدمات نظامی مورد تقاضای دولت بود و دولت، درمقابل خرید خدمات نظامی، تیول واگذار می‌کرد. کشاورزی و دامپروری به شیوه سنتی، به‌عنوان بهره برداری از منابع طبیعی، فعالیتی‌هایی غیرتولیدی محسوب می‌شود. براین اساس، نیروی کار فعال در بخش عشایری و روستایی، جمعیتی غیر مولد، مصرف کننده و نیازمند به حمایت دولت بود.^۵

تجاری شدن کشاورزی یکی از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ معاصر جهان بوده است. بدیهی است که این رخداد مهم بر ابعاد مختلف توسعه در ایران اثر گذاشته است. از زمان تجاری شدن کشاورزی در ایران - دوران سلطنت شاه عباس اول صفوی - آرام آرام، سیاست‌های اقتصادی کلان دولت از محوریت توزیع به محوریت تولید، تغییر جهت داد.^۶ به عبارت دیگر، همپای تحولات جهانی در زمینه گسترش نظام سرمایه‌داری، ایران نیز به فکر حمایت از تولید افتاد. چون تولید در ایران یک صنعت شهری محسوب می‌شد، سیاست‌های کلان دولت بر توسعه صنایع شهری قرار گرفت. بنابراین، اسکان عشایر و انجام اصلاحات ارضی، اجتناب ناپذیر بود.^۷ شواهد و مدارک بر اسکان اجباری عشایر در دوره‌های صفویه، افشاریه، قاجاریه و پهلوی اول دلالت دارند. از دوره پهلوی دوم تا هم‌اکنون، اسکان عشایر به شکل داوطلبانه و اختیاری تداوم یافته است. تغییر سیاست‌های دولت از توزیع به تولید، به معنای عدم حمایت دولت از نیروی کار غیرتولیدی (مصرف کننده) بود. شواهد و مدارک نشان می‌دهد، یکی از اهداف اصلی سیاست اسکان عشایر - متعاقب آن، اصلاحات ارضی - تبدیل نیروی کار رعیتی - روستایی (غیرمولد) به

نیروی کار شهری (مولد) بود.^۸ به موازات تغییر سیاست‌های توزیعی، تقاضا برای خدمات نظامی جمعیت ایلی و عشایری نیز از رونق افتاد. ناکارآمدی نیروی‌های شبه نظامی ایلی در جنگ، دولت (قاجاریه) را به فکر ایجاد ارتش مدرن انداخت. به عبارت دیگر، تقاضای دولت برای خدمات نظامی نیروهای شبه نظامی ایلی، پس از شکست‌های مکرر در جنگ‌های روسیه، به شدت کاهش یافت. به فاصله نهضت مشروطه تا استقرار دولت پهلوی، به دلیل الغای تیول و سایر مناصب ایلی (ایل‌خانی و ایل‌بیگی)، نیروهای شبه نظامی عشایری و سایر نیروی‌های کار رعیتی، عملاً بیکار شدند و به دلیل نارضایتی، شروع به خودسری و غارت‌گری کردند. سیاست اسکان عشایر در چهارچوب هدف کلی تغییر و تبدیل نیروی کار رعیتی به نیروی کارگر شهری قرار داشت. مخالفت شدید برخی از ایلات و عشایر غرب ایران، با مشت آهنین دولت مواجه شد.^۹

۷.۱ روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، کیفی از نوع گراند تئوری (Grounded Theory) با رویکرد اشتراس (Strauss) و کوربین (Corbin) است. تئوری زمینه‌ای در سال ۱۹۶۷م توسط بارنی گلاسر (Barney Glaser) و آنزلم (Anselm S.) اشتراس معرفی و در کتاب معروف آنها تحت عنوان «کشف نظریه زمینه‌ای» (Discovery Grounded Theory) منتشر شد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۳). آنها تحلیل زمینه‌ای را چنین معرفی کرده‌اند:

در این کتاب ما توجه خود را مصروف مسئولیتی با اهمیتی یکسان کرده‌ایم: چگونه می‌توان از داده‌هایی که به شکلی نظام‌مند در تحقیق اجتماعی به دست آمده و تحلیل شده‌اند، نظریه‌ای کشف کرد. ما باور داریم که کشف نظریه از داده‌ها - که ما به آن «نظریه پردازی داده بنیاد» می‌گوییم - وظیفه بزرگی است که امروز جامعه شناسی با آن مواجه شده است (Glaser & Strauss, 1967: 1).

روش گردآوری داده‌ها، اسنادی و کتابخانه‌ای است. داده‌ها پس از جمع‌آوری، عبارت‌بندی و کدگذاری شده است. در ادامه روند مطالعه، از نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) برای رسیدن به مفاهیمی در خصوص تبیین پدیده اسکان عشایر استفاده شد. روند تجزیه و تحلیل داده‌ها تا اشباع نظری (Theoretical Saturation) و مفهومی ادامه داشت و در نهایت شرایط علی، راهبردها و پیامدهای پدیده، مشخص شده است. تجزیه و تحلیل و کدگذاری باز (Open Coding) هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفته

است. در سطح اول کدبندی، بر مبنای مشابهت، کدها به کدهای انتزاعی‌تر تقلیل یافتند و ۱۶۶ مفهوم اصلی ساخته شد. در سطح دوم کدبندی یا کدبندی محوری (Axial Coding) ۵۵ مقوله عمده ساخته شد و در مرحله سوم یا کدبندی گزینشی (Selective Coding) ۷ تم اصلی شکل گرفت که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱. مفاهیم، مقوله‌های عمده و مقوله‌های هسته استخراج شده

ردیف	تعداد مفاهیم عمده	تعداد مقوله‌های عمده	تم
۱	۱۴	۵	انحلال افواج ایلی
۲	۳۲	۱۲	ادغام جمعیتی
۳	۱۵	۸	اعطای حق نسق
۴	۳۶	۱۰	تغییر هویت عشایری
۵	۲۲	۵	ناسازگاری درون‌گروهی
۶	۲۶	۸	چپاول سازمانی
۷	۲۱	۷	خلاً دام‌پروری

۲. یافته‌های تحقیق

در ادامه شرایط علی، شرایط میانجی، راهبردها و پیامدهای پدیده ذکر می‌شود. مدل پارادایمی پدیده اسکان عشایر در شکل (۱) قابل مشاهده است.



شکل ۱. مدل پارادایمی پدیده اسکان عشایر در غرب ایران

۱.۲ شرایط علی

«انحلال افواج ایلی»، «نظام ارباب‌رعیتی مدرن»، «دولت متمرکز»، «ایجاد ارتش منظم»، «برقراری امنیت»، «وصول مالیات»، «رونق کشاورزی»، «توسعه روستایی» و «سرمایه‌گذاری صنعتی» عمده‌ترین مقوله‌های شرایط علی بود. در ادامه هر کدام از مقوله‌ها بررسی می‌شود. وصول منظم مالیات و برقراری نظم و امنیت در سرحدات و در میان ایل، از وظایف مقام ایل‌خانی بود. مقام ایل‌خانی و ایل‌بیگی به منزله شاکله و مقوم نظام ایلی بود (Garthwaite, 1977: 151). انحلال افواج ایلی^۱ و مقام ایل‌خانی به معنای عدم حمایت دولت از نظام ایلی بود و زمینه‌های فروپاشی نظام ایلی را فراهم ساخت (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۸: ۱۷۴). به دنبال آن، امتیاز جمع‌آوری مالیات اعضای ایل، از رؤسای عشایر سلب و اداره مالیه مسئول وصول مالیات شد (ساکما، ۲۰۰۷/۵۷۱۰۷: ۲۴). بدین ترتیب، سران ایلات و عشایر در کمال نارضایتی برکنار شدند.

از دوره پهلوی اول طبقه نوخاسته‌ای از بازرگانان، مقاطعه‌کاران، نظامیان، «اعضای دستگاه جدید کاغذبازی» و به اصطلاح «بوروکراسی» به عنوان مالکان جدید، جای مالکان سنتی را گرفتند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۴۵۹). جایگزینی نخبگان اداری و متخصص جدید شامل سرمایه‌گذاران صنعتی، پیمانکاران، مهندسان مشاور، بانکداران، تجار جدید و نظامیان به جای سیاستمداران کهنه‌کار قدیمی که اغلب از زمینداران سنتی و رؤسای ایلات بودند، تغییر مهمی بود که در ترکیب طبقاتی اقشار مسلط جامعه در پایان دوره پهلوی اول تثبیت شد (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۷۶). از کودتای ۱۲۹۹ش تا انقلاب ۱۳۵۷ش، اقلیت نخبگان اداری جدید به قدرتی بلامنازع تبدیل شدند. نخبگان اداری جدید، هرچند به لحاظ تعداد اندک بودند، نقش محوری در تحولات اجتماعی و توسعه اقتصادی ایران دوره پهلوی داشتند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸: ۷۹). ارتباط با غرب، تحصیلات دانشگاهی و نمایندگی جلوه‌ها و مظاهر تمدن غربی از ویژگی‌های اربابان در نظام ارباب‌رعیتی مدرن بود (رواسانی، بی تا: ۶۹). با ظهور نظام ارباب‌رعیتی مدرن نشانه‌های بی‌مهری نسبت به نظام ارباب‌رعیتی سنتی و در رأس آن خوانین و زمینداران بروز کرد.

پیشبرد فرآیند نوسازی در ایران مستلزم وجود دولتی متمرکز و مقتدر بود (سینایی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). رضاشاه از زمان به قدرت رسیدن بر ضرورت تشکیل یک دولت متمرکز تأکید کرد. تفکیک نهاد دولت از اقتصاد وابسته به زمین که خصلتی قرون وسطایی داشت، از اهداف دولت متمرکز رضاخان بود (کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۰۸). رضاخان در روز دوم

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش در بیانیه‌ای اعلام کرد، تشکیل قشون جدید و متحدالشکل، اولین گام برای نجات مملکت است (سینایی، ۱۳۸۴: ۲۳۰). تمرکز قدرت، وحدت ملی، اصلاحات و ایجاد نظم دیوانی مدرن همگی در گرو وجود یک ارتش جدید و مدرن بود (بشیریه، ۱۳۷۸: ۷۰). ادغام بریگاد مرکزی و قزاق، ادغام ژاندارمری در وزارت جنگ و تأسیس دانشکده افسری، مجموعه اقداماتی بود که در سال ۱۳۰۰ش به منظور تشکیل ارتش منظم و مدرن انجام شد (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳: ۱۳۱-۱۳۳). با تشکیل ارتش مدرن، نیروی شبه نظامی افواج منحل‌ه ایللی به عنوان یک رقیب ناراضی در مقابل ارتش نوین قرار گرفت.

گرفتن مالیات از ایلات مسلح کوچ‌نشین کار چندان ساده‌ای نبود. خوانین که مسئول جمع‌آوری مالیات ایلات و عشایر بودند، به راحتی حاضر به پرداخت مالیات نبودند و در بسیاری موارد تسویه حساب مالیاتی ایلات و عشایر مستلزم قشون‌کشی و بهره‌انداختن «تیپ و توپ» بود^{۱۱} (سنجایی، ۱۳۸۱: ۱۸۴-۱۸۵). حد اقتدار دولت در بین ایلات و عشایر غرب ایران، سالی یک مرتبه مالیات‌گیری، «آن‌هم با هزار دو به هم‌زنی و جنگ و خون‌بود» (مستوفی، ۱۳۲۶: ۳۰۱).

کشاورزی همواره یکی از دغدغه‌های دولت پهلوی بود. در این زمان فرض بر این بود که در اثر تغییر شیوه کوچ‌نشینی به یکجانشینی، کشاورزی توسعه می‌یابد. در تقسیم املاک خالصه بین عشایر تخته‌قاپو، اولویت واگذاری ملک با رعایای بومی و کسانی بود که از پیش در املاک خالصه، کشاورزی می‌کردند و به اصطلاح از حق نسق برخوردار بودند. معیار دریافت زمین از سوی دولت، مبادرت به کشاورزی و ترک چادرنشینی بود (ساکما، ۱۹۳۷/۲۳۰: ۳۰-۳۵).

در دوره رضاشاه، این دید شکل گرفت که کشاورزی می‌تواند پایه توسعه صنعتی کشور قرار گیرد، به این صورت که با تقویت کشاورزی روستایی و بهره‌وری و خروج مازاد از روستا، سرمایه‌گذاری صنعتی در شهرها محقق می‌شود. اسکان راهی برای «روستایی کردن» جامعه‌ای بود که بنابر خصلت‌های ساختی‌اش سامان‌گریز بود (کشاورز، ۲۵۳۵: ۴۳). یکی از اهداف سیاست اسکان عشایر، توسعه روستایی و در نهایت «شهرنشینی‌سازی» بود (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۳: ۳۹). در این زمان، فرض بر آن بود که سرکوب جامعه سستی عشایری، به سود جامعه مدرن شده شهری مانعی ندارد (واعظ شهرستانی، ۱۳۹۳: ۳۹). یکی از وظایف کمیسیون اسکان عشایر، متشکل از مقامات ارشد وزارتخانه‌ها و مقامات ارشد

نقش عوامل اقتصادی در اسکان عشایر غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش) (سیاوش یاری و شایان کرمی) ۲۲۷

محلی، ساخت شهرهای جدید و انتقال جامعه عشایری به «شهرهای جدیدالاحداث» بود (صورت مشروح مذاکرات مجلس، ۲۴ تیرماه ۱۳۱۲: ۴۰۰). انتقال رعایا و مالکان ثروتمند عشایری به شهرها و وادار کردن آنها به ساخت خانه‌هایی برای سکونت، در واقع تبدیل اجباری فئودال‌های بزرگ به سرمایه‌داران شهری بود و به تبع آن بخشی از نیروی کار موردنیاز شهرها تأمین می‌شد (سعیدی‌رضوانی، تابستان ۱۳۷۱: ۱۵۲). دارالتربیه‌های عشایری واقع در مراکز شهری، از جمله دارالتربیه عشایری خرم‌آباد، اولین تجربه‌های شهرنشینی را به فرزندان عشایر آموخت (میر، ۱۳۸۷: ۳۱).

در دوره پهلوی اول، کارخانه پنبه لرستان به مساحت ۱۳۰۰۰۰ مترمربع در زمین‌های خالصه منوچهرآباد ساخته شد (ساکما، ۱۹۳۷/۲۳۰: ۳۰). کارخانه قند شاه‌آباد (اسلام آباد) با ظرفیت تولید سالانه ۴۰۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۲ش، در املاک رضاشاه تأسیس شد و تا شعاع ۱۰۰ کیلومتر زمین‌های اطراف کارخانه به کشت چغندر اختصاص یافت (ساکما، ۱۹۶۴/۳۷۰: ۴۳). برخلاف لرستان، در کرمانشاه تقابلی بین قوای دولتی و عشایر رخ نداد. سابقه و پیشینه شهرنشینی، مراکز فعال تجاری و وجود صنایع تولیدی شهری از جمله مهم‌ترین عوامل پذیرش مصالحت آمیز برنامه اسکان عشایر در کرمانشاه بود.

۲.۲ زمینه

زمینه شکل‌گیری پدیده، غرب ایران در دوره پهلوی اول است.

۳.۲ پدیده

پدیده مورد نظر اسکان عشایر در غرب ایران است.

۴.۲ شرایط مداخله‌گر

توسعه کشاورزی تجاری در ایران، از اواسط قاجاریه، عامل تسریع‌کننده تغییر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بود. از یک طرف، توسعه مناسبات اقتصادی ایران با نظام سرمایه‌داری جهانی و ضرورت پاسخ‌گویی به تقاضای بازارهای بین‌المللی و از طرف دیگر، فقدان تولید و سیطره شیوه معیشتی بهره‌برداری از زمین با بازدهی بسیار ناچیز،

دولت را مصمم ساخت برنامه تغییر سیاست‌های اقتصادی کلان در جهت تعامل هرچه بیشتر با اقتصاد جهانی را به اجرا درآورد.^{۱۲}

۵.۲ راهبردها

«قلع و قمع»، «خلع سلاح»، «کوچ ممنوع»، «واگذاری زمین خالصه»، «اعطای حق نسق»، «تصویب قانون»، «معافیت مالیات احشام» و «اختصاص تسهیلات» عمده‌ترین راهبردها بود. در ادامه هر یک از مقوله‌های راهبردی بررسی می‌شود.

برنامه اسکان و انتظام جامعه عشایری در غرب ایران با استفاده از گزینه نظامی و سرکوب به اجرا درآمد. رضاشاه، در سخنرانی در تنگ معروف «زاهد شیر»^{۱۳} گفته بود، «میدانی برای ایجاد نظم و امنیت لرستان از عالی‌ترین درجات ارتش تا نفرات نظامی در این راه قربانی داده‌ام» (ساکما، ۱۳۱۷/۲۴۰: ۱۴). سیاه‌چادر عشایری یکی از سه چیزی بود که مورد تنفر شخص رضاشاه بود (میرزاصالح، ۱۳۷۲: ۳۰۷). ارتش رضاشاه با اقدام به سوزاندن سیاه‌چادر عشایری، به جای آن، چادرهای سفید برزنتی به عشایر واگذار کرد (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۲: ۸۶). دولت اسب و تفنگ مردان ایلایاتی را به زور گرفت و در مقابل به آنها گاو و داس داد. از سال ۱۳۰۸ش تا ۱۳۱۵ش، تقریباً بخش عمده‌ای از ایلات و عشایر ایران خلع سلاح شدند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۹-۲۰۰). این برنامه‌ها به منظور زدودن نمادهای فرهنگ و هویت عشایری انجام شد.

به دنبال اجرای برنامه اسکان عشایر، معابر کوچ ایلات مسدود شد. طبق ماده ششم قانون نظام‌نامه تخته‌قاپوی ایلات و عشایر، والی‌ها و حکام اجازه داشتند، برای گله‌هایی که با استخدام چوپان به بیلاق و قشلاق مبادرت می‌کردند، جواز کوچ صادر کنند (ساکما، ۱۳۹۱/۲۹۱: ۱-۲). عشایر تخته‌قاپو با استخدام چوپان اجازه داشتند گله‌ها را به بیلاق و قشلاق بفرستند، اما خانه‌های گلی نباید متروک می‌شد (رزم‌آرا، ۱۳۲۲: ۳۲). در همین دوره، در مقابل پرداخت رشوه‌ای در حدود ۱۰ الی ۵۰ تومان، جواز کوچ به بیلاق و قشلاق برای خانوارهای ایلایاتی صادر می‌شد (مکی، ۱۳۸۰: ۹۴).

در سال ۱۳۰۸ش به دستور سپهبد امیراحمدی، با تغییر نظام نسق‌بندی، تعدادی از لرهای بیرانوند در دهات دره‌شهر ساکن شدند که در نهایت منجر به استعفای مستأجران و مختل شدن کشاورزی شد (ساکما، ۱۳۱۲/۲۴۰: ۹). در سال ۱۳۰۹ش، دسته‌هایی از لرها به ورامین، ساوه و قم تبعید شدند. به دستور دولت عشایر لر را در نظام نسق‌بندی رعایای

کشاورز مناطق سابق الذکر وارد کردند. در ابتدا برای هر نفر از عشایر لر مقدار سی من بذر، جهت کاشت، اختصاص یافت. سپس، نسق‌های عشایر لر در نظام نسق‌بندی دهقانان بومی سرشکن شد. دولت سعی داشت با تحمیل کارهای کشاورزی به عشایر لر، آنها را به کشاورزی عادت دهد. اما نتیجه جز برهم خوردن نظام نسق‌بندی، سلب انگیزه از کشاورزان بومی و بازده پایین، نبود. تحمیل شدن عشایر مغرور به بدنه نظام دهقانی، مایه آزرده‌گی رعایای کشاورز بود. اما در درازمدت تعدادی از عشایر توانستند در نظام دهقانی جذب شوند (ساکما، ۱۳۹۵/۳: ۲۴۰: ۱۷).

قانون فروش املاک خالصه ذهاب به منظور دهنشین کردن عشایر در تیر ماه ۱۳۱۱ش به تصویب رسید (لمبتون، ۱۳۶۳: ۴۲۹). بر طبق قانون سابق الذکر، وزارت مالیه مکلف شد، طی مدت زمانی معین با فروش زمین‌های خالصه، ساختمان‌ها و آبادی‌هایی برای اسکان عشایر فراهم کند و «وسایل رعیتی در دسترس ایشان بگذارد» (لمبتون، ۱۳۶۳: ۴۲۹). سقف واگذاری املاک خالصه دو جفت گاو بود (ساکما، ۱۳۹۵/۱۰: ۲۳۰/۱۷-۲۰). طبق ماده واحده مصوب مهرماه ۱۳۱۱ش وزارت مالیه مجاز بود «به هر فردی از طوایف لر که چادرنشینی را ترک کند و دهنشین گردد، از خالصجات واقع در لرستان، حصه‌ای که به قدر کفاف معاش او و خانواده‌اش باشد، مجاناً واگذار نماید» (مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانون‌گذاری، ۱۳۳۶: ۷۰۵). هم‌چنین قانون نظام‌نامه تخته‌قاپوی ایلات و عشایر کشور در یازده ماده در سال ۱۳۱۲ش به تصویب رسید (ساکما، ۱۳۹۱/۹: ۲۹۱-۲۰۱). در این مرحله، دولت با تأکید بر الزام ریش‌سفیدان عشایر به تعهد اسکان رعایای ایلی، ترجیح داد، از مداخله مستقیم خودداری کند.

در سال ۱۳۱۲ش، هیأتی متشکل از نمایندگان وزارت‌خانه‌های عدلیه، مالیه، داخله و مقامات منطقه‌ای در ایلام، برای تقسیم زمین‌های خالصه بین رعایا، با اولویت «ترک چادرنشینی» تشکیل شد. طبق تصمیم هیأت اعزامی، قسمت عمده‌ای از زمین‌های خالصه ایلام بین عشایر تقسیم شد (ساکما، ۱۳۹۵/۱۰: ۲۳۰/۱۷-۲۰). در سال ۱۳۱۲ش ۲۹ دهکده خالصه واقع در الشتر بین عشایر آن حدود تقسیم شد. در سال ۱۳۲۰ش، از مجموع ۲۲۰ دهکده واقع در الشتر ۴۰ دهکده خالصه بود (ساکما، ۱۳۹۵/۱۰: ۲۴۰/۳۲). مهم‌ترین شرایط دریافت زمین خالصه عبارت بود از: تعهد به یکجانشینی و کشاورزی، ممنوعیت فروش ملک، اقدام به کشاورزی حداقل تا ۶ ماه پس از دریافت زمین، ساخت خانه، توسعه کشاورزی و آبادانی ملک، حداکثر در مدت ۱۰ سال (ساکما، ۱۳۹۷/۱۰: ۲۳۰-۳۵).

در جریان تقسیم املاک خالصه بین عشایر، رابطه خویشاوندی خانوارها مورد نظر بود و به خانوارهای هم‌طایفه املاکی متصل به هم واگذار شد (ساکما، ۲۴۰/۲۵۸۳۶: ۳۶). در این دوره، مالیات احشام برای عشایر تخته‌قاپو ملغی گردید (ساکما، ۲۴۰/۱۵۹۹۶: ۱). یک رأس گاو نر، سه خروار گندم و ۵۰۰ ریال نقد (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۳۴۲) به علاوه مقداری زمین، تسهیلاتی بود که برای تبدیل خانوار عشایری به دهقان، تصویب شد. تسهیلات اعطایی برای بهره‌برداری از نیم جفت^{۱۴} زمین کفایت می‌کرد و بدیهی است بازده محصول نیم جفت زمین جوابگوی هزینه‌های زندگی یک خانوار ۴ الی ۵ نفره نبود. مجانی بودن زمین، آب، بذر و گاو شاید برای یک خانوار رعیت خوش‌نشین ساکن در روستا رؤیای شیرین بود، اما ذوقی برای تن دادن به کشت و کار در عشایر تخته‌قاپو ایجاد نکرد. عشایر پس از ادغام در جامعه روستایی، به دهقانان فقیر تبدیل شدند. یکی از اهداف اصلی تأسیس بانک کشاورزی یا بانک فلاحتی، کمک به عشایر تخته‌قاپو شده برای توسعه کشاورزی بود (ساکما، ۲۴۰/۱۵۴۸۶: ۲).

۶.۲ پیامدها

«فروپاشی نظام ایلی»، «چپاول سازمانی»، «به هم خوردن نظام نسق بندی»، «ناسازگاری درون‌گروهی»، «دوران سیاه کشاورزی»، «خلاً دام‌پروری»، «آگاهی هویتی» و «ارتقاء طبقه اجتماعی عشایر» عمده‌ترین مقوله‌های پیامدهای پدیده مورد نظر بود. نهضت مشروطه و تدوین قانون اساسی، دگرگونی در نظام مالیاتی، تشکیل ارتش مدرن، برقراری امنیت و ... سبب تضعیف هسته سیاسی نظامی ایلی و فروپاشی قشر بندی درونی عشایر شد (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۲: ۱۱۹) از کل جمعیت ۵ الی ۶ میلیونی ایران در آغاز قرن نوزدهم، دو پنجم عشایر، دو پنجم روستاییان و یک پنجم شهرنشین بودند (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۸، ۴۴). در دوره پهلوی اول و دوم، عشایر کوچ‌نشین اهمیت جمعیت‌شناختی خود را از دست دادند و تقریباً از ۲۵ درصد به کمتر از ۵ درصد کل جمعیت کاهش یافتند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۲: ۵۹). برنامه اسکان عشایر و متعاقب آن، اصلاحات ارضی، در نهایت موفق شد نیروی کار عشایری و روستایی (کار رعیتی) را به کارگر شهری تبدیل کند.

سیاست اسکان و تغییر هویت عشایری با استفاده از روش زور انجام شد و برای مدتی همراه با تلفاتی از دو طرف (دولت و عشایر)، سرانجام قدرت عشایر درهم شکسته شد.

عشایر تحت چپاول و بی‌عدالتی منظمی قرار گرفتند (آپتون، ۱۳۶۱: ۱۳۰). در جریان سیاست اسکان سرمایه‌ناچیز عشایر، منحصر به تعدادی بز، میش و مادیان با زد و بند مأموران اسکان با خریداران دام و همدستی بنا، نجار، چوب‌فروش و سایر دلالتان شهری بریاد غارت رفت (مکی، ۱۳۸۰: ۳۹). در این دوره، ایل «گاو شیرده» مأمورین بود و عشایر غارت‌زده برای زیستن مجبور به سکونت در یک محبس تنگ و تاریک شدند (مکی، ۱۳۸۰: ۹۳).

برخی از بهترین زمین‌های کشاورزی در اختیار ایلات و عشایر قرار گرفت که هیچ علاقه‌ای به کشاورزی نداشتند، هرچند گروه عمده‌ای نیز در زمین‌هایی اسکان داده شدند که بایر و لم‌بزرع بود و استعداد کافی برای امور کشاورزی نداشت. امیراحمدی می‌گوید به زور سرنیزه ۵۵۱۰ من بذر غله در قریه دارایی^{۱۵} لرستان کاشته شد، ولی به دلیل عدم علاقه عشایر به کشاورزی، نتیجه رضایت‌بخش نبود. (امیراحمدی، ۱۳۶۳: ۳۴۲). از مشروطه تا اواسط پهلوی اول، حدود سه دهه، دوران سیاه کشاورزی بود. سیاست اسکان عشایر در کوتاه مدت سبب رکود کشاورزی و خرابی مزارع گردید. ایلات و عشایر بدون برنامه‌ای از پیش مطالعه شده در زمین‌های خالصه‌ای که قبلاً توسط رعایای کشاورز آباد شده بود، اسکان یافتند. عشایر جنگجو و خشن، مایه وحشت رعایای کشاورز شدند. بسیاری از رعایای کشاورز دست از کار کشیدند و مزارع را ترک کردند. حتی فقیرترین اعضای عشایر همواره ادعای اربابی داشتند و کسب معیشت از طریق گله‌داری و غارت‌گری را شرافتمندانه‌تر از رعیتی و کشاورزی می‌دانستند (کیاوند، ۱۳۸۰: ۱۹۳). عشایر تخته‌قاپو در طول دوران پهلوی اول دل به کشاورزی ندادند و بهترین املاکی که در دست آنها قرار گرفت، نسبت به سابق محصول و عایدات آنها به یک سوم و یک چهارم تقلیل یافت^{۱۶} (ساکما، ۲۴۰/۸۵۲۲: ۳-۱۰).

پیرو سیاست اسکان عشایر، بخشی از طوایف بیرانوند در نظام نسق‌بندی خالصه دره‌شهر ادغام شدند. ادغام عشایر بیرانوند در جامعه کشاورز دره‌شهر سبب متواری شدن عده‌ای از کشاورزان شد (ساکما، ۲۳۰/۴۲۴۲: ۲۸). حدود یک چهارم از املاک خالصه دره شهر به عشایر بیرانوند اختصاص یافت، ولی به واسطه بی‌میلی عشایر به کشاورزی، بیشتر املاک آنها بایر ماند و خساراتی به مزارع کشاورزی وارد شد. کدخدایان بیرانوند به اخذ بهره مالکانه از بخشی از املاک اکتفا می‌نمودند (ساکما، ۲۳۰/۴۲۴۲: ۵۴). از طرفی، عده‌ای از عشایر «میر»^{۱۷} از سیمره به بجنورد تبعید شدند. عشایر میر به دلیل تجارب پیشین

کشاورزی در سیمره به راحتی در نظام نسق‌بندی روستاهای بجنورد جذب شدند و تا پایان حکومت پهلوی اول، مشغول کشاورزی بودند (میر، ۱۳۸۷: ۴۷).

در نتیجه سیاست اسکان عشایر و ملی شدن مراتع، تعداد دام‌های غرب ایران در اواخر دوره پهلوی (۱۳۵۴ش) نسبت به اوایل دوره پهلوی به سه‌چهارم تقلیل یافت (یزدان‌پناه، ۱۳۵۴: ۳). با توجه به سهم شش درصدی که برای عشایر در تولید ناخالص ملی فرض شده است (افشارنادری، ۱۳۶۲: ۲۸۶)، در سال‌های پس از اسکان، خلأ دام‌پروری عشایری مخصوصاً در زمینه واردات گوشت و دام کاملاً محسوس بود (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۸۷). از دیدگاه این مقاله، در شرایط تولیدی بودن اقتصاد و توان صادرات کالاهای تولیدی، واردات محصولات کشاورزی و گوشت بر مبادرت به تولیدمثل در داخل، ارجحیت دارد. به‌خاطر مصرف منابع طبیعی، در طول قرن‌های متمادی، خاک ایران به‌شدت فرسایش یافته و آب ایران بسیار کم شده است.

برخورد نظامی دولت با عشایر غرب ایران، باعث شد عشایر آگاهی نسبی نسبت به هویت قومی متمایز خویش کسب نمایند (فوران، ۱۳۸۶: ۳۵۲). به‌رغم تخته‌قاپو شدن «خاصیت ایلی» در افراد و خانوارهای عشایر تا سال‌ها بعد باقی ماند (فیروزان، ۱۳۶۲: ۳۳). صفی‌نژاد می‌گوید شکل مساکن عشایر یکجانشین در غرب ایران از اندیشه عدم دلبستگی به سکونت در یک سکونتگاه نشأت گرفته، چرا که مساکن بسیار ساده و اقتباسی از چادر عشایری بود (کشاورز و همکاران، ۱۳۵۰: ۲۱). فوران (۱۳۸۶: ۳۵۲) می‌گوید بازگشت عشایر اسکان یافته به سنت‌های ایلی، پس از سقوط رضاشاه، پوشالی بودن سیاست‌های دولت در تبدیل هویتی عشایر را نشان داد. باید توجه نمود که پس از سقوط رضاشاه همه عشایر به سنت ایلی برنگشتند. برنامه اسکان در دوره پهلوی دوم و نیز پس از انقلاب اسلامی تا اکنون، کماکان، تداوم داشته و سال‌به‌سال از جمعیت عشایر کوچ‌رو کاسته شده است.

گسترش سوادآموزی، بهبود روابط اجتماعی، گسترش خرده مالکی و دسترسی به خدمات عمومی مانند بهداشت و درمان و استخدام در ادارات دولتی از مزایای سیاست تغییر و تبدیل هویت عشایری و ادغام در جامعه روستایی بود (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۴۵۱). عشایر با روستایی شدن، به سطح اجتماعی و فرهنگی بالاتری دست یافتند. ایجاد دارالترتیب‌های عشایری (واعظ شهرستانی، ۱۳۸۸: ۲۰۱) و مدارس فلاحتی در رشد سوادآموزی در بین فرزندان عشایر تخته‌قاپو بسیار مؤثر بود (ساکما، ۲۰۶۴/۲۹۷: ۱).

نقش عوامل اقتصادی در اسکان عشایر غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش) (سیاوش یاری و شایان کرمی) ۲۳۳

بسیاری از فرزندان عشایر پس از اتمام تحصیلات در ادارات دولتی استخدام شدند^{۱۸} (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

۳. نتیجه‌گیری

در این تحقیق به کمک روش گراند تئوری، نقش عوامل اقتصادی در اجرای سیاست اسکان عشایر تجزیه و تحلیل شد. تحولات نظام اقتصاد جهانی در زمینه تولید، نظام اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد. تقاضای بازارهای بین‌المللی برای محصولات کشاورزی تجاری، سبب بازنگری در سیاست‌های اقتصاد زمینداری در ایران شد. برای یک دوره طولانی در تاریخ ایران، دولت به عنوان مالک بزرگ، به شکل‌های مختلف، زمین و آب را بین اقشار مختلف اجتماعی توزیع می‌کرد. دولت در طرف عرضه، توزیع‌کننده زمین و آب و جامعه (روستایی و عشایری) در طرف تقاضا، مصرف‌کننده منابع طبیعی محسوب می‌شد. از اواسط دوره قاجاریه به واسطه توسعه کشاورزی تجاری در ایران، طرح اسکان عشایر و شکلی از اصلاحات ارضی (فروش زمین‌های خالصه)، در دستور کار دولت قرار گرفت و در دوره پهلوی اول به شکل جدی‌تری دنبال شد. بنابر این، دولت مصمم شد با اجرای طرح اسکان، جمعیت کار عشایری را که به دلیل تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت ناراضی بودند، به جمعیتی تولیدکننده تبدیل کند. اجرای سیاست اسکان، هویت اجتماعی عشایر را دگرگون کرد. برنامه اسکان عشایر از دوره‌های پیشین، هم به صورت طبیعی و هم در قالب سیاستی دولتی سابقه داشت. از آنجاکه برنامه مدون و حساب شده‌ای برای توسعه روستایی و رونق تولید وجود نداشت، سیاست اسکان عشایر موفقیت‌آمیز نبود. اما، با اجرای این برنامه، بخش مهمی از هدف تغییر و تبدیل کار عشایری و روستایی (کار رعیتی) به کار تولیدی شهری (کارگری) تحقق یافت. به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌ها، بسیاری از عشایر پس از اسکان، عملاً به دهقانان فقیر روستایی و کارگران تهی‌دست شهری تبدیل شدند. در مجموع عشایر جایگاه اجتماعی و فرهنگی بالاتری را نسبت به سابق به دست آوردند و از مزایای آموزش، بهداشت، درمان و سایر خدمات عمومی برخوردار شدند. در نهایت اجرای برنامه اسکان عشایر بسترهای لازم را برای اجرای برنامه جامع اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم فراهم ساخت. با اجرای برنامه جامع اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم، نیروی کار لازم برای تولید در مراکز شهری فراهم شد. گسترش روابط سرمایه‌داری در ایران سبب وابستگی هرچه بیشتر عشایر به مراکز شهری شد و هم‌اکنون

باقیمانده عشایر نه به اجبار، بلکه داوطلبانه خواهان اسکان‌اند. در آینده‌ای نه‌چندان دور، شیوه زندگی کوچ‌نشینی در ایران، به دلایلی از جمله: عدم دسترسی به مراکز تحصیل، بهداشت، امکانات رفاهی و تخریب محیط زیست، منسوخ خواهد شد. همچنین، در دو دهه اخیر، شکل توسعه روستایی براساس الگوهای شهری نشان می‌دهد، روستاهای بیشتری به شهرهای کوچک تبدیل می‌شوند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در این پژوهش، منظور از غرب ایران مناطق لرستان، کرمانشاه و ایلام است.
۲. تا قبل از اسکان رویه غالب کشاورزی در غرب ایران، بهره‌برداری به روش کشت و کوچ بود. راولینسون به مقوله کشاورزی کوچ‌رو در منطقه ذهاب اشاره کرده است: طوایف گوران در فصل بهار پس از بذریابی «به میان کوه‌ها کوچ می‌کنند و فقط تعداد کمی برای برداشت محصول باقی می‌مانند» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۸).
۳. عشایر اسکان یافته در مناطق روستایی معمولاً در فصل بهار، به همراه دام‌هایشان در دشت‌ها و مراتع ایلی و اجدادی چادر برپا می‌کردند. مکان‌های قدیمی چادرهای عشایری در زبان محلی غرب ایران به «میرکان» معروف است. امروزه به یاد فرهنگ و سنت‌های عشایری در غرب ایران، خانواده‌های شهرنشین یک ماه از فصل بهار (اواخر اسفند تا اواخر فروردین) را در میرکان‌های اجدادی چادر برپا می‌کنند.
۴. رضاشاه با روستاسازی و اسکان اجباری، عشایر را وادار به کشاورزی کرد. نک: Whyte, Anne, (Oct,1977), "Water Control and Desertification, the Resettled Nomads of Deh Luran, Iran", Economic Geography, V. 53, N. 4, pp. 372-375.
۵. یادآوری این نکته لازم است که در دوره تاریخی مورد بحث از نظر دولت کشاورزی یک فعالیت تولیدی محسوب می‌شد. تحقیق حاضر فرض تولیدی بودن کشاورزی را رد می‌کند. تولیدمثل و تولید دو مقوله متمایز هستند که متأسفانه علم اقتصاد این تفکیک را مغفول گذاشته است. تولیدمثل یک فرآیند طبیعی است، حال آنکه تولید یک فرآیند فرهنگی محسوب می‌شود. کاشت گندم و برداشت دوباره همان گندم را نمی‌توان تولید گندم نامید. زیرا خروجی همان ماده اولیه است. اگر کشاورزی و دام‌پروری فعالیت‌هایی تولیدی بوده‌اند؛ چرا طی قرن‌ها انباشت دانش و سرمایه، نهاد مالکیت خصوصی ضعیف و نحیف بود؟ در هر جامعه‌ای که فقدان و یا ضعف مالکیت خصوصی وجود داشته، به‌نظر می‌رسد یک سیستم اقتصادی غیرتولیدی استقرار و استمرار داشته است. اگر کشاورزی فعالیت تولیدی بود؛ چرا در دوران فنودالیسم نظام سرمایه‌داری به نظام اقتصادی غالب تبدیل نشد؟ تسلط نظام سرمایه‌داری در غرب تا ظهور

انقلاب صنعتی به تعویق افتاد. اگر تولیدمثل یک فعالیت اقتصادی مشروع بوده است، چرا تجارت برده ملغی شد؟ ابن خلدون در تقسیم‌بندی مشاغل و فعالیت‌های تولیدی، کشاورزی، دام‌پروری و بهره‌برداری از معادن را در دسته کارهای غیرتولیدی قرار داده است. همچنین، ابن مسکویه در نظریات اقتصادی خویش، بهره‌برداری از منابع طبیعی را با عنوان «کار الله» یا کار خدادادی، فعالیتی نیمه تولیدی فرض کرده است. نک: ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

۶. تغییر اجتماعی فرآیندی است که به‌منظور جایگزینی کمی و کیفی پدیده‌های اجتماعی انجام می‌شود و ممکن است با برنامه یا بی‌برنامه باشد. واگو (به نقل از مهدوی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۴) می‌گوید تغییر اجتماعی برنامه‌ریزی شده در واقع، کوشش‌های عمومی، آگاهانه و یکدست سازمان‌های ایجاد کننده تغییر برای بهبود عملکرد اجتماعی است. نک: مهدوی، مسعود، رضایی، پژمان و قدیری معصوم، مجتبی، (بهار ۱۳۸۶)، «روستاهای برآمده از اسکان عشایر و چالش‌های آن»، روستا و توسعه، سال دهم، شماره اول، صص ۶۲-۴۱.

۷. برای اطلاعات بیشتر، نک: کرمی، شایان و رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۸)، «مطالعه تاریخی پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران؛ مطالعه موردی: کرمانشاه و لرستان»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره بیستم، صص ۷۰-۴۷.

۸. شاه ایران، محمدرضاشاه، با افتخار پیش‌بینی می‌کرد در آینده‌ای نه چندان دور (تا سال ۱۳۶۰ش) جمعیت روستایی ایران به ۵ تا ۶ درصد کل جمعیت کشور کاهش خواهد یافت (سوداگر، ۱۳۷۸، ۲۷۹).

۹. اگرچه در ایلام و کرمانشاه، برخلاف لرستان، جنگ تمام‌عیاری بین دولت و عشایر رخ نداد، کماکان اجرای برنامه اسکان با قهر و درگیری‌های پراکنده همراه بود. خوانین ایلام و کرمانشاه تبعید و املاک‌شان مصادره شد. نک: کرمی، شایان و رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۸)، «مالکیت اختصاصی در کرمانشاه (پهلوی اول)»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال هشتم، شماره اول، صص ۹۱-۱۰۴.

۱۰. فوج کلهر، فوج پشتکوه و فوج گوران نمونه‌هایی از افواج ایلی غرب ایران بودند. این افواج ایلی، از دوره صفویه تا نهضت مشروطه، در بیشتر جنگ‌های ایران حضور داشتند.

۱۱. برای نمونه، در سال ۱۳۲۸ق نظام‌السلطنه مافی، حاکم کرمانشاه، برای تسویه حساب مالیاتی با داودخان، رئیس ایل کلهر، مجبور به قشون‌کشی شد. در جنگی که روی داد نظام‌السلطنه با ۱۵۰ کشته و زخمی شکست خورد. پس از انجام مذاکرات، داودخان با پرداخت مبلغ ۳۰۰۰۰ تومان بقایای مالیاتی را تسویه و مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان نیز به عنوان خسارت و خون‌بها،

- پرداخت کرد. در مقابل، نظام‌السلطنه حکم «رئیس‌العشایری صفحه غرب» را برای داودخان صادر کرد (سنجایی، ۱۳۸۱، صص ۱۸۴-۱۸۵).
۱۲. برای اطلاعات بیشتر نک: کرمی، شایان و رحمانیان، داریوش، (پاییز ۱۳۹۸)، «مطالعه تاریخی پیامدهای تجاری شدن کشاورزی در غرب ایران»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال دهم، شماره بیستم، صص ۷۰-۷۴.
۱۳. تنگه زاهد شیر در نزدیکی خرم‌آباد، معبر اصلی بیلاق و قشلاق عشایر سلسله و دلفان بود.
۱۴. جفت واحد سنجش سطح زمین‌های کشاورزی در غرب ایران بود. مساحت یک جفت زمین به نسبت آبی یا دیمی بودن، از ۵ تا ۷ هکتار نوسان داشت.
۱۵. دارایی نام یکی از روستاهای معروف در خرم‌آباد بود.
۱۶. به‌عنوان نمونه قریه دارایی «از بهترین قراء بلوک کره‌کاه» در خرم‌آباد را می‌توان ذکر کرد. قریه دارایی متعلق به همسر غلام‌رضاخان، والی ایلام بود. با ورود ارتش رضاخان به ایلام آخرین والی به همراه خانواده‌اش به عراق مهاجرت کرد و املاک والی در ایلام و لرستان از جمله قریه دارایی مصادره شد. زمانی که ملک در دست مالک بود، سالانه حدود ۱۰۰۰ تومان نقد و ۳۵۰ خروار غله به عنوان بهره مالکانه دریافت می‌کرد. هم‌چنین ۱۲۰ خروار غله و ۱۲۰ خروار کاه نیز جزو جمع مالیاتی داشت. این قریه پس از مصادره، به منظور اسکان عشایر، به طوایف میر و بهاروند واگذار شد. به رغم تلاش دولت برای توسعه کشاورزی، کشاورزی قریه دارایی با رکود مواجه شد. «حق‌آبه‌اش مسدود و قناتش به کلی مخروبه و رعایای سابقش تماماً متواری شدند» (ساکما، ۲۴۰/۹۵۸۱). به‌گونه‌ای که تمام محصول ده ساله کشاورزی عشایر در قریه دارایی (۱۳۰۱ش تا ۱۳۱۱ش) تکافوی مالیات جزو جمع سابق را نمی‌کرد (ساکما، ۲۴۰/۸۵۲۲: ۱-۳).
۱۷. طایفه میر از طوایف قدرتمند و متحد و مورد حمایت والیان ایلام بودند. میرها از دوره قاجاریه تا پایان پهلوی اول مستأجر و ارباب ملک دره‌شهر بودند. میر تیمور، میر صیدمحمدخان معروف به اشرف‌العشایر و میر غلام‌رضاخان هاشمی از جمله خوانین متنفذ طایفه میر بودند. با ظهور رضاخان و سقوط سلسله والیان ایلام، میرها نفوذ و اقتدارشان را در حوزه دره‌شهر از دست دادند. برای اطلاعات بیشتر نک: فخریمی، مهدی، (۱۳۸۸)، *نقش میرهای سیمره در تاریخ لرستان*، لرستان: شاپور خواست.
۱۸. برای نمونه میرناصر خانجان، دانش‌آموز دارالتربیه خرم‌آباد، پس از اتمام تحصیلات به‌عنوان معلم مدرسه استخدام شد. وی به واسطه شغل دولتی با بانو آغاسلطان هاشمی، بزرگ‌ملک دره‌شهر، ازدواج کرد. برای اطلاعات بیشتر نک: خانجان، میر ناصر، (۱۳۸۷)، *از سیمره تا سیمره*، قم: دارالنشر اسلام.

نقش عوامل اقتصادی در اسکان عشایر غرب ایران (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش) (سیاوش یاری و شایان کرمی) ۳۳۷

کتابنامه

- استارک، فریا، (۱۳۷۷)، سفر به دیار الموت، لرستان و ایلام، (علی محمد ساکی، مترجم)، تهران: علمی.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی، (۱۳۸۸)، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، (سهیلا ترابی فارسانی، مترجم)، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد و بنوعزیزی، علی، (زمستان ۱۳۷۲)، «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، (عماد افروغ، مترجم). راهبرد، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۰۲.
- افشارنادری، نادر، (۱۳۶۲)، «اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن»، در کتاب ایلات و عشایر، تهران: آگاه.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر، (۱۳۸۴)، «فرآیند نوسازی و دگرگونی در ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ایلات»، مجموعه مقالات همایش ملی ساماندهی جامعه عشایری ایران، (ج ۱)، تهران: سازمان امور عشایری.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر، (۱۳۸۸)، کوچ‌نشینی در ایران؛ پژوهش درباره عشایر و ایلات، تهران: علمی و فرهنگی.
- آپتون، جوزف ام، (۱۳۶۱)، نگرشی بر تاریخ ایران نوین، (یعقوب آژند، مترجم)، تهران: نیلوفر.
- بادامچی، حسین، (پاییز ۱۳۹۵)، «سواره‌نظام بابلی در ارتش هخامنشی: تحلیل یک سند بابلی درباره زمین اسب»، تحقیقات حقوقی، شماره ۷۵، صص ۲۷۳-۲۵۳.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۸)، دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: علوم نوین.
- خانجان، میر ناصر، (۱۳۸۷)، از سیمره تا سیمره، قم: دارالنشر اسلام.
- خلیلی‌خو، محمدرضا، (۱۳۷۳). توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه، تهران: جهاد دانشگاهی.
- رزم‌آرا، علی، (۱۳۲۲)، جغرافیای نظامی ایران (لرستان)، تهران: سازمان انتشارات ارتش.
- رواسانی، شاهپور، (بی‌تا)، دولت و حکومت در ایران، تهران: نشر شمع.
- سعیدی‌رضوانی، نوید، (تابستان ۱۳۷۱)، «شهرنشینی و شهرسازی در دوره بیست ساله ۱۳۲۰-۱۳۰۰ش (دوران حکومت رضاخان)، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵، صص ۱۴۰-۱۶۵.
- سنجابی، ناصرخان، (۱۳۸۰)، ایل سنجابی و مجاهدت‌های ملی در ایران، به کوشش کریم سنجابی، تهران: نشر شیرازه.
- سوداگر، محمدرضا، (۱۳۷۸)، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران؛ مرحله گسترش، تهران: فرزین.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس، (۲۴ تیرماه ۱۳۱۲)، دوره نهم تقنینیه، جلسه ۱۱، ص ۴۰۰.
- فخیمی، مهدی، (۱۳۸۸)، نقش میرهای سیمره در تاریخ لرستان، لرستان: شاپور خواست.
- فوران، جان، (۱۳۸۶)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.

فیروزان، ت. (۱۳۶۲)، «درباره ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران»، در کتاب *ایلات و عشایر*، تهران: آگاه.

کیاوند، عزیز، (۱۳۸۰)، *سیاست، حکومت و عشایر*، تهران: صنم.

کشاورز، هوشنگ و همکاران، (۱۳۵۰)، *شرکت سهامی زراعی رضا پهلوی*، تهران: وزارت تعاون و امور روستاها.

لمبتون، آن، (۱۳۶۲)، *مالک و زارع در ایران*، (منوچهر امیری، مترجم)، تهران: علمی و فرهنگی.

مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره هشتم قانونگذاری، (۱۳۲۶)، تهران: مجلس شورای ملی.

محمدپور، احمد، (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی ضد روش*، (ج ۱)، تهران: جامعه‌شناسان.

مستوفی، عبدالله، (۱۳۲۶)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، (ج ۲)، تهران: علمی.

مکی، حسین، (۱۳۸۰)، *تاریخ بیست ساله ایران*، (ج ۱)، تهران: علمی.

میرزاصالح، غلامحسین، (۱۳۷۲)، *رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی*، تهران: طرح نو.

نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۹)، *دولت رضاشاه و نظام ایلی (تأثیر ساختار دولت قدرت‌گرای رضاشاه بر نفوذ قبایل و عشایر)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

واعظ شهرستانی، نفیسه، (۱۳۸۵)، *سیاست عشایری دولت پهلوی اول*، تهران: نشر تاریخ ایران.

واعظ شهرستانی، نفیسه، (تابستان ۱۳۹۳)، «تحلیل مبانی نظری و رویه سیاست‌گذاری برای انتقال اجباری ایلات و عشایر در دوره پهلوی اول بر پایه اسناد»، *گنجینه اسناد*، شماره ۲۴، صص ۲۸-۵۹.

یزدان‌پناه، ناصر، (۱۳۵۴)، *بررسی امکانات گسترش کشاورزی و دامپروری استان ایلام*، بانک توسعه کشاورزی ایران، کتابخانه ملی، شماره ۴۸۵۰-۴۹.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۲۳۰/۱۹۳۷؛ ۲۳۰/۱۰۴۵؛ ۲۳۰/۴۲۴۲؛ ۲۳۰/۶۰۴۸؛ ۲۴۰/۸۵۲۲؛ ۲۴۰/۹۵۸۱

۲۴۰/۳۱۷۵۹؛ ۲۴۰/۳۱۷۵۹؛ ۲۴۰/۲۵۸۳۶؛ ۲۴۰/۱۵۹۹۶؛ ۲۴۰/۱۵۴۸۶؛ ۲۴۰/۱۵۱۲۳؛ ۲۴۰/۹۵۸۱

۲۴۰/۵۷۱۰۷؛ ۲۹۱/۹۱۶؛ ۲۹۶/۵۰۳؛ ۲۹۷/۲۰۶۴۳؛ ۳۷۰/۱۶۴

Garthwaite, Gene R. (1977) "The Bakhtyari Ilkhani: an illusion of Unity" *The International Journal of Middle East Studies*, No.2, V.8, Pp145-160.

Glaser, Barney and Anselm Strauss (1967), *Discovery of Grounded Theory*, Translation Publishers.